

تاریخچه موسیقی ایران

موسیقی ایران

نقوش و حجاری ها و نگارگری های به جای مانده از دوران باستان تا زمان اسلام نشان دهنده علاقه و ذوق ایرانیان به هنر موسیقی می باشد. در دوران پس از اسلام موسیقی به دلیل مخالف ها، شکوفایی دوران پیشین خود را از دست داد. ولی به هر حال به حیات خود ادامه داد. این استمرار را می توان در زمان صفویه در بنای کاخ چهلستون و اتاق موسیقی کاخ عالی قاپو مشاهده کرد.

موسیقی ملی ایران، مجموعه ای است از نواها و آهنگ هایی که در طول قرن ها، در این سرزمین به وجود آمده و پا به پای سایر مظاهر زندگی مردم ایران تحول و تکامل یافته، و بازتابی از خصوصیات اخلاقی، وقایع سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی ملتی است که تاریخش به زمان های بسیار دور می رسد. ظرافت و حالت تعمق ویژه موسیقی ایرانی انسان را به تفکر و تعقل و رسیدن به جهانی غیر مادی رهنمون می سازد.

موسیقی ملی ایران، که مبنا و سابقه ای بسیار کهن دارد، شامل شاخه های مختلفی به شرح زیر است:

۱ - قبل از اسلام: موسیقی های اقوام کهن ایران شامل: بختیاری، کردی، لری و

۲ - بعد از اسلام:

الف - موسیقی مقامی (حماسی، تعزیه، عزا)

ب - ردیفی (دستگاه های موسیقی سنتی)

در دوره حاضر این تقسیم بندی به شرح زیر است:

۱ - قبل از اسلام

۲ - بعد از اسلام

۳ - موسیقی های محلی ایران و نغمه های سنتی (ملودی های دو گروه قبل) و تنظیم و تهیه کلاسیک آنها.

طبق روش طبقه بندی جدید در آواز و مقامات، که از حدود صد سال پیش برقرار شده، آواز و موسیقی سنتی ایران را در دوازده مجموعه قرار داده اند.

از دوازده مجموعه تقسیم بندی شده، هفت مجموعه که وسعت و استقلال بیشتری داشته اند، دستگاه نامیده شده و پنج مجموعه دیگر را که مستقل نبوده و از دستگاههای مزبور منشعب شده اند، آواز نامیده اند.

بنا براین موسیقی سنتی امروز ایران، که باقی مانده مقامات دوازده گانه قدیم است، قبلا مفصل تر بوده و امروز جزئی از آن در دسترس است.

بر هفت دستگاه اصلی و پنج آواز، تعدادی گوشه استواری و الگوی نوازندگان و خوانندگان امروزی است. شمار این گوشه ها را ۲۲۸ ذکر کرده اند، ردیف های مختلف و مشهور استادان موسیقی سنتی صد ساله اخیر مانند آقا حسینقلی، میرزا عبدالله، درویش خان و صبا نیز از همین نظم پیروی می کند.

اسامی دستگاه ها و آوازها در موسیقی سنتی ایران

نام هفت دستگاه اصلی عبارت است از شور، ماهور، همایون، سه گاه، چهارگاه، نوا و راست پنجگاه؛ نام پنج آواز بدین شرح است: اصفهان، ابوعطا، بیات ترک، افشاری و دشتی.

اجزای دستگاه و آواز

برای اجرای یک دستگاه با یک آواز ترتیبی را باید رعایت کرد که معمولا این چنین است:

درآمد، آواز، تصنیف و رنگ، از زمان مرحوم درویش خان و به ابتکاری وی پیش درآمد و چهار مضراب نیز به این سلسله مراتب اضافه شده است.

ترانه های فولکوریک ایران

زنده یاد خالقی، در این باره چنین می نویسد:

یکی از منابع ذیقیمت موسیقی هر کشور آهنگ ها و نغمات و ترانه هایی است که در نقاط مختلف آن مملکت، خاصه در دهات، قصبات دور از شهر به وسیله مردم بومی و روستایی خوانده می شود و چون این نوع موسیقی کمتر تحت تاثیر افکار مردم شهر نشین واقع شده، طبیعی تر و به موسیقی حقیقی و اصیل و قدیمی آن کشور نزدیکتر است؛ جمع آوری آنها علاوه بر اینکه باعث حفظ و نگهداری آنها است، کمکی هم به تحقیق درباره مختصات آن مملکت می کند، و چگونگی و کیفیت آن را معلوم می نماید.

چون در ایران اقوام مختلفی ساکنند که از نظر فرهنگ و قومی تفاوت های بسیاری با یکدیگر دارند، بنابراین

موسیقی فولکوریک ایران دارای خصوصیات بسیار متنوعی از نظر طرز بیان و لحن موسیقی است. مثلا موسیقی

آذربایجانی، گیلانی، خراسانی، بختیاری، کردی، شیرازی و بلوچی نه تنها ملودی ها، که در گویش نیز با

یکدیگر بسیار متفاوتند، از نظر فرم موسیقی می توان از دو نوع موسیقی بومی در ایران نام برد:

۱ - ترانه های بومی آوازی که به صورت انفرادی یا دسته جمعی خوانده می شود.

۲ - رقص های محلی سازی که با سازهای محلی به اجرا در می آید.

ترانه های محلی ایرانی از نظر ملودی بسیار غنی و پر مایه است که از این نظر یکی از غنی ترین، زیبا ترین و متنوع ترین ترانه های فولکوریک دنیا هستند. این ترانه ها که نشانه طرز فکر و تمدن و فرهنگ کشور هستند، سینه به سینه نقل شده و از نسلی به نسل دیگر می رسد و آئینه تمام نمای افکار و اندیشه های مردمی اند که خود خالق و آفریننده آن بشمار می روند. این ترانه ها از وضع اجتماع، طرز فکر، نوع زندگی و طبیعت که در سرزمین ایران وجود دارد، یکی از غنی ترین منابع فرهنگی ایران به شمار می آیند. این ترانه ها نمایانده ملت و گذشته ایران هستند و می توانند بهترین الهام بخش موسیقیدانان در پدید آمدن آثار موسیقی علمی قرار گیرند.

نمونه هایی از موسیقی فولکوریک ایران:

موسیقی بختیاری، لرستان و فارس

موسیقی گیلان و تالش

موسیقی کردستان

موسیقی سواحل جنوب ایران

موسیقی سیستان و بلوچستان

موسیقی خراسان

موسیقی ترکمن

موسیقی آذربایجان

موسیقی سازی

موسیقی ایرانی از زمان های بسیار قدیم عمدتاً با ساز و آواز توأم بوده است و در کتب تاریخی نیز هرگاه به موسیقی اشاره شده بیشتر نام الحان و ترانه ها بر جای مانده است. ولی شکی نیست که موسیقی سازی نیز دارای اهمیت بوده است. در حدود صد سال قبل موسیقی سازی به تدریج راهی مشخص در پیش گرفت، و در این رشته نوازندگان و آهنگسازانی به وجود آمده و نوآوری هایی در این زمینه انجام دادند. به طور کلی موسیقی سازی ایرانی دارای دو بخش اساس است:

الف - تکنوازی که بر پایه موسیقی سنتی و بداهه نوازی قرار دارد.

ب - همنازی که بر پایه کارهای جمعی اعم از گروه های کوچک یا بزرگ یک صدایی و یا چند صدایی استوار است.

تکنوازی

تکنوازی در موسیقی مشرق زمین از اعتبار و اهمیت فراوانی برخوردار است. به تعبیری می توان آن را مربوط به فلسفه و عرفان شرق و ایجاد ارتباط معنوی با عالم بالا دانست. چرا که نوازنده شرق با ساز و موسیقی خود به نوعی عبادت خصوصاً در کنج خلوت و تنهایی خود می پردازد.

همنازی

از دوره ناصرالدین شاه قاجار کار گروه نوازی چه در زمینه موسیقی و سازهای سنتی و چه با رعایت اصول و قواعد موسیقی ارکستر غربی که به وسیله مسیو لومر (معلم موسیقی فرانسوی که برای تدریس در دارالفنون آن زمان و رشته موسیقی نظام به ایران دعوت شده بود) در قالب موسیقی نظام و سازهای غربی به ایران آورده شد، بیشتر معمول گردید. بعدها کم کم کار گروهی رونق بیشتری گرفت، و با اضافه شدن سازهای غربی به جمع سازهای ایرانی و اجرای قطعات ایرانی بر روی آنها با فرم تازه معمول شد.

ایرانیان در مقاطع مختلف تاریخی از آلات متعدد موسیقی، به ویژه قدیمی ترین آنها یعنی نی و دایره استفاده می نمودند. انواع آلات موسیقی که مورد استفاده قرار می گرفته و هنوز هم در گوشه و کنار این کشور پهناور استفاده می شود به همراه یک تقسیم بندی کلی به این شرح است:

آلات موسیقی بادی

نی از قدیمی ترین این نوع است و شامل یک لوله استوانه ای از جنس نی بوده که دارای هفت بند و شش گره است. نی از دسته سازهای محلی است و تقریباً در تمام نقاط ایران معمول و رایج است. سرنا ساز دیگری از خانواده آلات موسیقی بادی است که در تمان نقاط ایران معمول است و شامل سرنای بختیاری و آذربایجانی است. در ایران این ساز به همراه دهل و یا نقاره نواخته می شود. لازم به ذکر است که نواختن این ساز در نقاط مختلف کشور در مواقع خاصی و به منظورهای مختلف انجام می شود. در کردستان با نواختن دهل و سرنا مرگ کسی را خبر می دهند و در شمال ب همراهی طناب بازها سرنا نواخته می شود و در آذربایجان غربی، روستائیان در عروسی ها حین رقص چوبی، سرنا می نوازند.

کرنا: سازی قدیمی و تاریخی است که در استان های مختلف ایران به شکل های متفاوت ساخته و اجرا می شود. مهمترین کرناها، کرنا شمال، گیلان و کرنا مشهد است. این ساز بیشتر در کردستان و آذربایجان مورد استعمال قرار می گیرد.

نی انبان بیشتر در جنوب ایران مورد استفاده قرار می گیرد و در بعضی نقاط ایران آن را " خیک نای " نیز می نامند و در نقاطی از آذربایجان نیز نواخته می شود.

آلات موسیقی زهی

یکی از قدیمی ترین سازهای زهی، کمانچه است که اولین شکل و بولون امروزی است. این ساز نقش تک نواز و هم‌نواز، هر دو را به خوبی اجرا می کند. کمانچه سازی ملی است. در تمام استان های ایران نواختن آن متداول است و بیشتر در میان طوایف ترک و ترکمن رواج دارد.

بربط: سازی از خانواده سازهای رشته ای مفید که به آن " ال عود یا لوت " نیز میگویند. ساختمان این ساز شبیه گلابی است که از درازا به دو نیم شده است. دارای کاسه ای بزرگ و دسته ای کوتاه که در آغاز سه رشته سیم داشته است.

رباب: این ساز زهی است از چهار قسمت شامل شکم خربزه مانند، سینه، دسته و سر تشکیل شده است. سیم های رباب در قدیم از روده و امروز از نخ نایلون ساخته می شود و مضراب رباب از پر مرغ ساخته شده است. این ساز اساساً

سازی محلی است و بیشتر در نواحی خراسان معمول است و همچنین در نواحی سیستان نیز نواخته می شود.

تار: یکی از سازهای زهی اصیل ایران است که یک شکم چند قسمتی دارد و دارای شش تار می باشد. از این گروه سازها، سه تار و دو تار را می توان نام برد که نوازندگی دوتار در ترکمن صحرا و نواحی خراسان بسیار معمول می باشد.

آلات موسیقی ضربی

از سازهای ضربی معروف ایرانی دهل، طبل و تنبک می باشند.

دهل: این ساز از استوانه کوتاهی از جنس چوب که قطر دایره آن حدود یک متر و ارتفاع آن ۲۵ تا ۳۰ سانتی متر

است تشکیل شده و بر دو سطح دایره ای شکل آن پوست کشیده شده است. مضرابش دو چوب یکی به شکل

عصا و دیگری ترکه ای نازک می باشد. دهل سازی کاملاً محلی و بیشتر همراهی کننده با سرنا است. در مناطق

فارس، بلوچستان و کردستان بیش از سایر جاها مورد استفاده قرار می گیرد.

دایره: این ساز ضربی که از حلقه ای چوبی تشکیل گردیده که بر یکی از سطوح جانبی دایره ای شکل آن پوست کشیده شده است، این ساز را با ضرب سر انگشتان هر دو دست می نوازند و بیشتر شهری است تا محلی. سازی است همراهی کننده با سایر سازها. دایره در حال حاضر در آذربایجان بیشتر از سایر جاها رواج دارد.

طبل: یکی دیگر از سازهای ضربی که کوچکتر از دهل می باشد و مضراب آن دو کوبه چوبی است و آن را در مراسم عزاداری در اکثر مناطق ایران می نوازند.

تنبک: سازی است از پوست و چوب (معمولاً گردو) و از دو قسمت گلویی و استوانه ای تشکیل یافته، سطح بالایی آن از پوست و قسمت گلویی آن که با دهانه ای گشاد دارد باز می باشد.

دف : که در اویش از آن بیشتر استفاده میکنند جهت رقص سماء

سازهای مضرابی (زهی - کوبی)

ساز منحصر بفرد ایرانی که در این تقسیم بندی قرار می گیرد سنتور است. این ساز شامل جعبه ای دوزنقه ای است و هفتاد و دو رشته سیم سفید و زرد تشکیل یافته است.

سنتور اساساً سازی است که قابلیت تکنوازی و همنازی را داراست و نواختن آن در تمام استان های ایران متداول است.